

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی  
۲۸ جون ۲۰۱۶

## آیا بحران اتحادیه اروپا با خروج انگلستان شدیدتر خواهد شد؟!

خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (برکیست)، تاکنون بازارهای جهانی، به ویژه بازارهای بورس را دچار بحران کرده است. در این میان اساسی ترین سؤال این است که آیا این بحران همانند بحران ۲۰۰۸، که از امریکا آغاز شد و به سراسر جهان سرایت کرد این بار نیز این بحران از «بریتانیای کبیر» آغاز خواهد شد؟ آیا بریتانیا، آن جایگاه و جاذبه سابق خود را به عنوان مرکز بانکی جهان، دستکم برای برخی از سرمایه گذاران جهانی از دست خواهد داد؟ در این راستا، «فلیپ هاموند» وزیر امور خارجه بریتانیا، روز یکشنبه ۲۶ جون اعلام کرد که «عدم دسترسی بریتانیا به بازار مشترک اتحادیه اروپا، نتایج بسیار فاجعه باری برای اقتصاد این کشور خواهد داشت». آیا بحران اتحادیه اروپا با خروج انگلستان شدیدتر خواهد شد؟!

پس از یک کمپین چهارماهه که آن را شکاف ایجادکننده ترین کارزار در تاریخ سیاسی بریتانیا توصیف می کنند، رأی گیری در شب ۲۳ جون ساعت ۲۲ به وقت گرینویچ پایان یافت.

پنجشنبه ۳ تیر [سرطان] ۱۳۹۵ برابر با ۲۳ جون ۲۰۱۶، همه پرسی بریتانیا برای ماندن در اتحادیه اروپا یا خروج از آن برگزار شد. نتایج این همه پرسی، نشان می دهد کارزار «خروج» با به دست آوردن ۵۱/۹ درصد آراء پیروز شده است؛ ۱۷/۴ میلیون نفر به «خروج» و ۱۶/۱ میلیون نفر به «ماندن» رأی داده اند.



شورای اجرای انتخابات بریتانیا می گوید شمار شرکت کنندگان بیش از ۳۳ میلیون نفر از ثبت نام کنندگان بود که نشان دهنده مشارکت ۷۲ درصدی است.

بوریس جانسون، رهبر جنبش خروج، شهردار سابق لندن است به غیر از تفکیک جغرافیایی که در آن شمال بریتانیا بیش تر رأی به خروج داده بود، نتیجه این همه پرسی تا حدود زیادی توسط افراد بالای پنجاه سال مشخص شد.

آمار مشارکت به تفکیک سن به این ترتیب بود که ۷۵ درصد از افراد بین ۱۸ تا ۲۴ سال به ماندن رأی دادند. ۵۶ درصد افراد ۲۵ تا ۴۸ سال هم به ماندن رأی دادند.

۵۶ درصد افراد ۵۰ تا ۶۴ رأی خروج دادند و ۶۱ درصد افراد ۶۵ به بالا هم رأی به خروج دادند.

حق رأی شامل شهروندان ایرلندی هم می‌شود، هر چند آن‌ها دیگر جزئی از پادشاهی بریتانیای متحد نیستند. بدین ترتیب عملاً حق رأی شامل ۴۶ میلیون نفر می‌شود. بریتانیایی‌های ساکن خارج در صورتی که طی ۱۵ سال گذشته حداقل یکبار رأی داده باشند، می‌توانند در این همه‌پرسی شرکت کنند.

نتایج همه‌پرسی شکست سختی برای نخست‌وزیر بریتانیاست و احتمالاً منجر به کنار رفتن از قدرت خواهد شد. ایده همه‌پرسی درباره ماندن و یا خروج بریتانیا را نخستین بار او مطرح کرد. حال گفته می‌شود «او در چاهی که خود کنده است خواهد افتاد». او طرفدار باقی‌ماندن کشورش در اتحادیه اروپا بود.

رهبان جریان مخالف باقی‌ماندن بریتانیا در اتحادیه اروپا، نایجل فرّج، در بامداد جمعه از نتیجه همه‌پرسی ابراز خرسندی کرد و گفت: «این چنین بریتانیا استقلال خود را باز می‌یابد».

در حالی که خبرگزاری رویترز، پیش‌تر گزارش داده بود: نایجل فراژ رهبان حزب استقلال انگلیس روز پنج‌شنبه گفت به‌نظر می‌رسد موافقان ماندن انگلیس در اتحادیه اروپا در همه‌پرسی پیروز شوند.

آمارها و تخمین‌های اولیه از پیشی گرفتن طرفداران باقی‌ماندن انگلیس در اتحادیه اروپا در همه‌پرسی حکایت داشت. از این‌رو، نتایج این همه‌پرسی، نه تنها جامعه بریتانیا، بلکه اروپا را شوکه کرد.

این همه‌پرسی از این لحاظ که سیاست‌مداران بریتانیایی با توجه به سیاست‌های حزبی‌شان در این کارزار شرکت نکردند، منحصر به فرد بود. به غیر از حزب یوکیپ که همگی خواهان خروج بودند، دو حزب رقیب کارگر و محافظه‌کاران هم در «جنبش خروج» نماینده داشتند و هم در «کمپ ماندن».

از سال ۲۰۰۸ که بحران مالی جهانی به وجود آمد، اتحادیه اروپا با چندین بحران جایگزین روبه‌رو شده است: بالا گرفتن بحران یونان، دخالت نظامی روسیه در اوکراین و بحران آوارگان در مدیترانه (که مستقیماً به بحران منطقه‌ای در خاورمیانه و جنگ‌های متعدد آفریقا و خاورمیانه و... مرتبط است). این بحران‌ها محدودیت قدرت در اتحادیه اروپا را مشخص کردند و این که پاسخ این نهاد به این معضلات ضعیف بوده است.

یک پیامد آن کاهش حمایت از اتحادیه اروپا در میان رأی‌دهندگان کشورهای عضو است. این کاهش حمایت در طول دو سال آینده بیش‌تر هم خواهد شد.

یکی از راه‌های حل برای جلوگیری از سقوط اتحادیه اروپا، پیدا کردن راه‌حلی ستراتیژیک برای بحران یونان است. یونان هم نیاز به پول و هم نیاز به تغییرات پایه‌ی دارد.

### مواضع احزاب بریتانیا در این همه‌پرسی

**یوکیپ:** این تنها حزب بریتانیایی‌ست که با اکثریتی قاطع در کنار جنبش خروج قرار دارد. این حزب پوپولیستی به رهبری نایجل فراژ توانست در انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۴ با به دست آوردن ۲۷ درصد آراء به جایگاه قوی‌ترین حزب بریتانیایی دست یابد. با این حال این حزب تنها یک نماینده در مجلس عوام بریتانیا دارد.

**محافظه‌کاران:** حزب محافظه‌کار که اکنون دولت را در اختیار دارد، دچار دو دستگی‌ست. رهبری جنبش خروج در دست بوریس جانسون، شهردار سابق لندن است. پنج‌تن از اعضای کابینه دیوید کامرون و ۱۳۱ تن از نمایندگان این حزب در مجلس عوام، مخالف جنبش خروج هستند. رهبر جنبش ماندن، نخست‌وزیر بریتانیا دیوید کامرون است. البته او بود که اساساً برگزاری این همه‌پرسی را امکان‌پذیر ساخت. ۱۶ تن از اعضای کابینه و ۱۶۴ نماینده این حزب در

مجلس عوام با او همراهی می‌کنند. حزب محافظه‌کار در این مورد دچار دودستگی‌ست و موضوع رسمی آن بی‌طرفی نسبت به همه‌پرسی‌ست.

**حزب کارگر:** در این حزب با گرایش سوسیال دموکراسی، تنها تعداد بسیار کمی در کنار جنبش خروج قرار دارند، طبق آخرین اطلاعات تعداد این افراد در مجلس عوام بالغ بر هفت نفر است.

اکثریت این حزب در کنار جنبش ماندن قرار دارد. از مجموع نمایندگان این حزب تا کنون ۲۱۵ نفر حامی ماندن هستند. با وجود این، آن‌ها تمایلی به همکاری با نمایندگان محافظه‌کار برای جنبش ماندن نشان نداده و مستقلاً جنبش دیگری با نامی متفاوت به‌راه انداخته‌اند.

**احزاب دیگر:** لیبرال دموکرات‌ها و حزب ناسیونالیست اسکاتلند با ۵۴ نماینده خود در مجلس عوام تقریباً به‌طور کامل در کنار جنبش ماندن قرار گرفته‌اند. این وضعیت همچنین شامل احزابی مانند سبزها، پلاید کامری (حزب ولزی با گرایش سوسیال دموکراسی)، شین‌فین (ایرلند شمالی) و احزاب کوچک دیگری هم می‌شود.

### آینده بریتانیا

در همه‌پرسی اخیر بریتانیا، گرچه اکثریت رأی‌دهندگان در انگلستان و ولز به‌خروج از اتحادیه اروپا رأی دادند، اما اکثریت رأی‌دهندگان در ایرلند شمالی و اکثریت چشمگیری از رأی‌دهندگان در اسکاتلند، خواهان باقی‌ماندن بریتانیا در این اتحادیه شدند. رأی‌دهندگان اسکاتلندی دو سال پیش در یک همه‌پرسی به‌باقی ماندن در بریتانیا رأی دادند. اما بلافاصله پس از اعلام پیروزی طرفداران خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، حدس و گمان درباره تلاش مجدد برای جدایی اسکاتلند از بریتانیا آغاز شد.

حزب ملی اسکاتلند، پیش‌تر هشدار داده بود که اگر بریتانیا در کل به‌خروج از اتحادیه اروپا رأی دهد ولی اسکاتلندی‌ها به‌ادامه عضویت رأی دهند، اسکاتلند «خلاف میلش» از اتحادیه اروپا خارج خواهد شد و این اتفاق می‌تواند دلیلی برای برگزاری یک همه‌پرسی جدید برای استقلال باشد.

البته ناکامی این حزب در کسب اکثریت کرسی‌های پارلمان محلی اسکاتلند عملی کردن این خواسته را سخت‌تر می‌کند، ولی رأی مردم به‌خروج از اتحادیه اروپا و تأثیر آن بر آینده بریتانیا به‌عنوان یک کشور واحد برای دولت مرکزی مایه نگرانی است.

نیکولای استورجن وزیر اول اسکاتلند از بریتانیای کبیر، با مشخص شدن نتیجه همه‌پرسی حوزه انتخاباتی خود اعلام کرد که اسکاتلند آینده خود را در ماندن در اتحادیه اروپا می‌بیند.

او در این خصوص گفت: اگرچه شمارش آرای همه‌پرسی انگلیس برای خروج و یا ماندن این کشور در اتحادیه اروپا همچنان ادامه دارد، اما نتایج اولیه این همه‌پرسی در اسکاتلند از پیروزی چشمگیر طرفداران ماندن خبر می‌دهد که این بدان معنی است که مردم اسکاتلند تصمیمی برای خروج از اتحادیه ندارند و می‌خواهند مستقل از انگلیس باشند.

آخرین آمارها در اسکاتلند نشان می‌دهد که ۶۲/۷ درصد از رأی‌دهندگان به ماندن و ۳۷/۳ درصد به‌خروج اسکاتلند از اتحادیه اروپا رأی دادند.

### منبع تأمین هزینه‌های این همه‌پرسی

بخشی از هزینه‌ها را مالیات‌دهندگان تأمین می‌کنند. کمیسیون دولتی انتخابات بعد از قانون مربوط به برگزاری همه‌پرسی دو جریان «Vote Leave» و «Britain Stronger In EU» را به‌عنوان کارزار به‌رسمیت شناخت. بدین وسیله هر

کدام از این کمپین‌ها به ۶۰۰ هزار پوند، به‌نوعی سرمایه اولیه دسترسی یافتند. علاوه بر آن کارزارها می‌توانند «کمک‌های مردمی» دریافت کنند که مرز آن هفت میلیون پوند است.

این کارزار هوادار اتحادیه اروپا تقریباً به‌مرز دریافت حداکثر کمک‌های مالی رسیده است. عامل اصلی این مسأله کمک بزرگ و سخاوتمندانه دیوید سینیبری، سیاست‌مدار و از سهام‌داران یکی از بزرگترین سوپرمارکت‌های زنجیره‌ای است. میزان کمک مالی او که به‌گزارش فوربس یکی از ثروتمندترین شهروندان بریتانیایی است بالغ ۲/۸ میلیون پوند بود.

کارزار خروج در موقعیت مالی سختی قرار داشت. آن‌ها تاکنون حدود سه میلیون پوند کمک مالی دریافت کرده بودند. بزرگترین حامی مالی، میلیونر و تاجری به‌نام پاتریک باربر است که مبلغ نیم میلیون پوند اهداء کرده است.

### واکنش‌های اولیه

یکی از مشاوران دیوید کامرون، نخست‌وزیر بریتانیا که از هواداران «ماندن» بود، به‌خبرنگاران گفته است «اکنون در نقطه‌ای نامعلوم هستیم، همه خسته‌اند. هیچ‌کس نخواهی‌دیده‌است».

نایجل فراز، رهبر حزب شدیداً دست‌راستی «استقلال پادشاهی متحد» (یوکیپ)، از مهم‌ترین هوادار «خروج» گفته ۲۳ جون (روز همه‌پرسی) روز استقلال بریتانیا است.

کیت واز، وزیر سابق کار در ناباوری به «بی‌بی‌سی» گفت مردم بریتانیا با «احساسات» خود رأی داند و به‌منظرات کارشناسان در مورد اثرات اقتصادی ترک اتحادیه اروپا توجه نکردند.

کارولین لوکاس از نمایندگان حزب سبز بریتانیا در مجلس، نتیجه همه‌پرسی «دل‌خراش» توصیف کرد و گفت که این نتیجه بیش از این که در مورد خروج از اتحادیه اروپا باشد بیانگر خشم رأی‌دهندگان نسبت ۹۸ درصد نمایندگان مجلس است که نسبت به‌این نتیجه هشدار داده بودند.

معاون رهبر جبهه ملی، یکی دیگر از احزاب شدیداً دست‌راستی و نژادپرست در فرانسه، گفته است اکنون نوبت فرانسه است که از اتحادیه اروپا خارج شود.

زیگمار گابریل، معاون صدراعظم آلمان، گفته است «لعنتی! یک روز بد برای اروپا». وزیر خارجه آلمان نیز گفته نتایج اعلام‌شده «روز غم‌انگیزی» را برای اروپا ارمغان آورده است.

وزیر اول اسکاتلند، گفته این منطقه از بریتانیا «آینده خود را به‌عنوان عضوی از اتحادیه اروپا می‌بیند».

شین‌فین، بزرگترین حزب کاتولیک ایرلند شمالی، خواستار رأی‌گیری برای اتحاد دو ایرلند شده است. جمهوری ایرلند عضو اتحادیه اروپا است.

آکساندر کوداشف، سردبیر دویچه وله بر این نظر است که نتایج همه‌پرسی در بریتانیا هرچه باشد اتحادیه اروپا را با بحرانی جدی روبه‌رو می‌کند.

مارتین شولتز، رئیس پارلمان اروپا در واکنش به‌نتایج همه‌پرسی بریتانیا دیوید کامرون، نخست‌وزیر بریتانیا را سرزنش کرد و او را در نتایج همه‌پرسی مقصر دانست. شولتز گفت «کامرون مسئولیت بزرگی بر عهده دارد». به‌اعتقاد رئیس پارلمان اروپا فرایند خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به‌سرعت آغاز خواهد شد.

مارتین شولتز که با شبکه دوم تلویزیون آلمان گفت‌وگو می‌کرد، درباره موقعیت بریتانیا پس از همه‌پرسی گفت، در اروپا از این‌پس با بریتانیا به‌عنوان «کشور ثالث» رفتار خواهد شد. او افزود، ما خود را برای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا آماده کرده‌ایم.

به عقیده رئیس پارلمان اروپا خروج بریتانیا، خروج دیگر کشورها از اتحادیه اروپا را در پی نخواهد داشت. او می‌گوید «موج خروج از اتحادیه اروپا پیش نخواهد آمد».

رئیس کمیسیون اروپا، ژان کلود یونکر نیز، از تصمیم شهروندان بریتانیا ابراز تأسف فرآوان کرد به ویژه که او ادعا کرد: «جوانان بریتانیا خواستار ماندن در اتحادیه بودند».

### مخالفان اتحادیه اروپا

علاوه بر مخالفان و منتقدان اتحادیه اروپا، احزاب راست و نژادپرستی همچون جبهه ملی فرانسه یا حزب آزادی هالند دشمنان اتحادیه اروپا هستند.

در این ارتباط باید یادآوری کرد که در دو کشور فرانسه و هالند که جزو اعضای مؤسس اتحادیه اقتصادی اروپا (EEC) هستند، نخستین پیش‌نویس قانون اساسی اتحادیه اروپا در همه‌پرسی انجام شده رأی کافی نیارود و با مخالفت رأی‌دهندگان روبه‌رو شد.

در چنین شرایطی، به احتمال قوی دو حزب جبهه ملی فرانسه و حزب آزادی هالند در آینده خواهند کوشید با اجرای همه‌پرسی در کشورشان، امکان خروج این کشورها را از اتحادیه اروپا هموار سازند؛ همه‌پرسی‌هایی که نتایج آن به هیچ وجه قابل پیش‌بینی نیستند.

«گیرت ویلدرز»، رهبر راست و نژادپرست هالند با اعلام نتایج همه‌پرسی بریتانیا در تویتر نوشت: «بای بای بروکسل». او، اضافه کرد هالند کشور بعدی در خروج از اتحادیه اروپا خواهد بود.

ماری لوین سیاستمدار راست‌گرای فرانسه احساسات خود درباره همه‌پرسی بریتانیا را با کلمه نوشتن «پیروزی» در تویتر نشان داد. او خواستار همه‌پرسی مشابهی در فرانسه شد.

### هشدار اجلاس گروه هفت

در بیانیه پایانی اجلاس گروه هفت در جاپان، هشدار داده شده که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به تجارت جهانی، سرمایه‌گذاری و اشتغال صدمات جدی خواهد زد و روند رو به رشد این امور را معکوس می‌سازد. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا می‌تواند باعث از بین رفتن ۹۵۰ هزار فرصت شغلی در این کشور شود.

در صورت خروج، مؤسسه‌های مالی بریتانیایی باید معاملات و برنامه‌های خود را با قوانین و مقررات جدیدی وفق دهند. این امر چند سال زمان می‌طلبد و دست‌کم ۲۱ میلیارد یورو به نهادهای مالی این کشور تحمیل می‌کند.

«جرج آزبورن»، وزیر دارایی بریتانیا که از موافقان ادامه عضویت کشورش در اتحادیه است، در مقاله‌ای نوشت درآمد ملی بریتانیا در صورت خروج از اتحادیه تا سال ۲۰۳۰، به میزان ۶ درصد از مقدار کنونی کمتر می‌شود، موانع موجود بر سر راه تجارت جهان افزایش می‌یابد، صادرات ضربه می‌خورد و سطح سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی پائین می‌رود.

صندوق جهانی پول برآورد کرده بود که در صورت خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، رشد اقتصادی جهان در سال جاری میلادی به جای ۳/۴ درصد ۳/۲ درصد خواهد بود.

### کمک‌های مالی بریتانیا به اتحادیه اروپا

سال ۲۰۱۵، بریتانیا به‌طور خالص ۵/۸ میلیارد پوند به‌اتحادیه اروپا پرداخت کرده است. بر اساس درآمد ناخالص ملی، بریتانیا در جایگاه دهم کشورهای این اتحادیه است؛ اما از نظر رقمی بعد از آلمان و فرانسه در جایگاه سوم قرار دارد. بودجه سالانه اتحادیه اروپا جمعاً ۱۴۴ میلیارد یورو (حدود ۱۱۴ میلیارد پوند) است. پرداختی‌های دولت بریتانیا در سال مالی ۲۰۱۵/۲۰۱۶ حدود ۷۴۲ میلیارد پوند تخمین زده می‌شود که ۶/۵ برابر بودجه اتحادیه اروپا است. بر این اساس می‌توان به‌وزن اقتصادی بریتانیا در اتحادیه پی برد.

## اوضاع عمومی اتحادیه اروپا

سال‌هاست که شهروندان و نهادهای اروپایی هر دو نگران تشدید بحران‌های فعلی در اتحادیه اروپا، منطقه یورو و حوزه شنگن هستند. تاکنون گذشت زمان نه تنها منجر به بهبود این بحران‌ها نشده، بلکه آن‌ها را به‌عنوان مختلف تشدید کرده است.

بر این اساس می‌توان به‌مهم‌ترین بحران‌ها و تقابل‌های پیش روی اتحادیه اروپا را مورد شناسایی و تحلیل قرار داد. در واقع بحران‌های اقتصادی، امنیتی، اجتماعی و سیاسی چهار نوع بحران اصلی هستند که اروپا در سال‌های اخیر، با آن‌ها روبه‌رو بوده و در سال جاری میلادی نیز همچنان با آن‌ها مواجه بوده و اکنون با خروج بریتانیا از این اتحادیه، این بحران‌ها شدیدتر خواهند شد.

یکی از مهم‌ترین بحران‌هایی که اتحادیه اروپا، در سال ۲۰۱۵ میلادی با آن دست و پنجه نرم کرد، بحران اقتصادی در منطقه یورو و دیگر نقاط اروپا بود. تشدید بحران بدهی‌های برخی کشورهای اروپایی نیز این وضعیت را سخت‌تر کرده است.

امروز منطقه یورو با کشورهای بحران‌زده مختلفی مانند یونان، اسپانیا، قبرس، پرتغال و... مواجه است. در این میان، حتی بازیگران اصلی منطقه یورو مانند آلمان و فرانسه نیز از بحران اقتصادی مصون نمانده‌اند. افزایش تعداد افراد بیکار تنها در آلمان به‌بالای یک میلیون نفر رسیده است.

در کشور فرانسه نیز بحران اقتصادی شاخصه‌ها و مؤلفه‌های خاص خود را دارد. رشد بیکاری، تورم و بدهی‌های خارجی، جملگی منجر به ایجاد وضعیتی سخت در اقتصاد کشورهای اروپایی شده است. اعتصاب اخیر کارگران فرانسوی به‌اصلاحات قانون کار (ریاضت اقتصادی)، این بحران را هر چه بیش‌تر آشکار کرده است.

قرار بود از سال ۲۰۱۲ میلادی به‌این‌سو، رشد اقتصادی در منطقه یورو تقویت شده و در مقابل، شاخصه‌های ریاضتی روندی رو به‌افول داشته باشد. اما هم‌اکنون شاهد استمرار سیاست‌های ریاضتی در کشورهای مختلف اروپایی هستیم.

کاهش بودجه عمومی کشورهای عضو اتحادیه اروپا (خصوصاً اعضای منطقه یورو) نشان‌دهنده استمرار ریاضتی در اروپای واحد است. حتی برخی اقتصاددانان تأکید کرده‌اند که استمرار روند فعلی می‌تواند منجر به فروپاشی منطقه یورو و خروج خودخواسته برخی اعضا از آن شود.

سال ۲۰۱۵، نقطه اوج بحران امنیتی در اروپای واحد طی سال‌های گذشته و اخیر بود. وقوع حادثه تروریستی پاریس و کشته و زخمی شدن حدود ۴۵۰ نفر در این حملات، اروپای واحد را وارد فاز امنیتی تازه‌ای کرده است. چهره امنیتی اروپا پس از حوادث پاریس به‌طور کلی دگرگون شده است. هم‌اکنون اغلب پولیس و نیروهای امنیتی در کشورهای مختلف اروپایی در حالت آمادگی به سر می‌برند و این روند تا مدتی نامعلوم ادامه خواهد داشت.

در ماه‌های اخیر، برخی منابع اروپایی از تلاش برای وقوع برخی حملات تروریستی خبر داده‌اند. به‌عنوان مثال، تهدیدات را در فرودگاه‌های کشورهای مختلف اروپایی نیز تشدید شده است.

اکنون ضریب آسیب‌پذیری امنیتی اروپا طی یک سال اخیر به‌شدت افزایش یافته است. با این حال عامل اصلی این موضوع را باید در عملکرد و سیاست‌هایشان در قاره‌های دیگر جهان جست و جو کرد. سیاست‌های حمایتی غرب و متعاقباً کشورهای اروپائی از دخالت نظامی در کشورهای دیگر و همکاری‌شان با حکومت‌های تروریستی و یا گروه‌های تروریست اسلامی و ناسیونالیستی و فاشیستی و دشمنی طبقاتی‌شان با جنبش کارگری کمونیستی، منجر به تشدید تهدیدات تروریستی به‌داخل حوزه شنگن و به‌طور کلی دنیای غرب شده است.

تاکنون پیمان شنگن به‌عنوان یکی از نمادهای اتحاد در اروپا به‌شمار می‌رفت. بر این اساس کمتر کسی تصور می‌کرد که روزی پیمان شنگن به‌عنوان پیمانی جمعی در قاره اروپا به تقابل کشیده شود. این روند در سال ۲۰۱۶ میلادی نیز ادامه دارد. هم‌اکنون بحران امنیت در اروپا به‌اندازه‌ای جدی است که بحران اقتصادی تحت‌الشعاع آن قرار گرفته است. وقوع بحران پناهجویان در اروپا و حضور بیش از یک میلیون پناهجوی بی‌پناه که اتفاقاً از جمله قربانی‌های سیاست‌های غرب در منطقه بوده‌اند، در اروپا منجر به قدرت‌گیری گروه‌های راسیستی و خارجی ستیز در جوامع غربی شده است. این گروه‌های فاشیستی که به ضد پناهجویان فعالیت می‌کنند در قالب سازمان‌های همچون «پگیدا» در آلمان، جبهه ملی در فرانسه و... یا مانند جریان راست افراطی و نژادپرست در کشورهای اسکاندیناوی فعالیت کرده و هر روزه شرایط را علیه مهاجران و پناهجویان وخیم‌تر می‌کنند به‌حدی که احزاب و دولت‌های سوسیال دموکرات، لیبرال و محیط زیست، از جمله سویدن، به‌این سیاست‌های نژادپرستی گردن می‌گذارند. بنابراین در چنین موقعیتی، نه تنها نهادهای امنیتی اروپا در مهار گروه‌های فاشیستی و راسیستی اقدامی نمی‌کنند، بلکه در برخی موارد با آن‌ها همراه و هم‌گام هم می‌شوند. البته این گروه‌های افراطی و خطرناک جدید در غرب توانسته‌اند در میان دستگاه‌های دولتی و قانون‌گذاری و امنیتی این کشورها جای ویژه خود را باز نمایند.

حزب «قانون و عدالت» به‌رهبری یاروسلاو کازینسکی، با رویکرد افراطی ملی‌گرایانه، در دفاع از آنچه «ویژگی‌های خاص پولند در مقابل دشمنان داخلی و خارجی» می‌نامد، اعتقادی به «ارزش‌های اساسی و اصول دموکراتیک بنیادین مورد تأکید اتحادیه» ندارد؛ تا آن‌جا که ناظران اروپائی معتقدند این رویه می‌تواند موجب پدید آمدن «الگوئی ناسازگار و نامناسب» میان برخی کشورهای اروپائی در رویارویی با اتحادیه اروپا شود و همچنین به‌احتمال تهدید پولند به‌خارج از اتحادیه اروپا منجر شود که هم، مغایر با اغلب پیمان‌های اروپائی است و هم، موجودیت اتحادیه را با مخاطره روبه‌رو می‌کند.

فیلیپو گراندی کمیسار عالی سازمان ملل برای پناهندگان در معرفی گزارش جدید وضعیت مهاجران گفت: «۶۵ میلیون آواره در سرتا سر جهان؛ این رقم ده درصد بیش‌تر از ۵۹ میلیون مهاجر در مقایسه با سال گذشته است. در هر دقیقه ۲۴ انسان بی‌وطن یا وادار به‌تبعید و مهاجرت می‌شود. این یک رقم تکان‌دهنده است». هم‌اکنون شمار بیش‌تر مهاجران از کشورهای جنگ‌زده سوریه افغانستان و عراق و یا کشورهای افریقائی هستند.

از سوی دیگر، فارغ از بحران پناهجویان، به‌سبب بحران‌های اقتصادی و امنیتی رخ داده در اروپا، در حوزه روابط اجتماعی شهروندان اروپائی با یکدیگر و جامعه نیز تأثیرگذار هستند.

امروزه بیکاری به‌بزرگترین مسأله این اتحادیه تبدیل شده است. از زمان بحران اقتصادی و مالی سال ۲۰۰۸ در بیش‌تر کشورهای اتحادیه اروپا، عده زیادی بیکار شده‌اند و میلیون‌ها نفر برای پیدا کردن شغل در مراکز کارایی ثبت‌نام کرده‌اند. طبق ارقامی که اداره آمار اروپا موسوم به «یورواستات» منتشر شده است، هم‌اکنون بیست و یک میلیون و چهارصد هزار بیکار در اتحادیه اروپا وجود دارد که شانزده میلیون و چهارصد هزار نفر آن‌ها در منطقه یورو هستند. جدیدترین آمارها همچنین حاکی‌ست بیکاری جوانان مشکلی مزمن در بیشتر کشورهای منطقه یورو است.

بحران بیکاری جوانان به‌ویژه در کشورهای یونان، اسپانیا، کرواسی، ایتالیا و پرتغال حادتر است. با وجود این که میزان کلی بیکاری در منطقه یورو در حال کاهش است اما به‌باور اقتصاددانان این کاهش قابل توجه نیست در نتیجه عملاً اتحادیه اروپا همچنان در بحران بیکاری است.

پیروزی پگیدا در انتخابات یونان، درخشش حزب ضد یوروی پودموس در انتخابات سراسری اسپانیا، کاهش محبوبیت احزاب سنتی راست میانه و سوسیال دموکرات در کشورهای مختلف اروپائی و تشدید اعتراض‌های سیاسی علیه نهادگرایی سیاسی موجود در اتحادیه اروپا سبب شده است تا سیاستمداران ارشد اروپائی نسبت به‌فروپاشی سیاسی این اتحادیه هشدار دهند.

این موضوع اصل همبستگی، همگرایی سیاسی و اجتماعی در اروپا را نیز تا حدود زیادی تحت تأثیر خود قرار داده است.

در چنین فضائی، احزاب جدید که اکثراً رویکردی ملی‌گرایانه و نژادپرستی دارند توانسته‌اند تا حدود زیادی از احزاب سنتی پیشی بگیرند و برای حضور در قدرت خیز بردارند. خشم شهروندان اروپائی از سیاستمداران و نهادهای سنتی اروپا این روند را تسریع کرده است. مجموع این عوامل و بحران‌ها سبب شده است تا اتحادیه اروپا، شرایط دشوارتری در پیش داشته باشد.

### تاریخچه اتحادیه اروپا

بعد از جنگ جهانی دوم با هدف پایان دادن به‌خصومت‌ها و جنگ‌های خونین میان کشورهای همسایه، «سازمان زغال‌سنگ و فولاد اروپا» آغازی برای اتحاد میان برخی کشورهای اروپائی در زمینه اقتصادی و سیاسی بود که با هدف حفظ صلح میان کشورهای عضو تشکیل شد.

این همکاری اول در زمینه تجارت و اقتصاد شروع شد. کشورهای آلمان، فرانسه، ایتالیا، بلژیم، هلند و لوکزامبورگ بسیاری از اختلافاتشان را کنار گذاشته؛ و در زمینه تولیدات صنایع زغال سنگ و فولاد شروع به‌همکاری نمودند. سپس این همکاری به‌سایر امور زندگانی مردم این نواحی توسعه یافت. بازار مشترک اروپا (ETU) و سازمانهای دیگری برای این همکاریهای اقتصادی تأسیس گشتند. در سال ۱۹۶۷ میلادی، برای سازمانها و تشکیلات مختلف، سازمانی مرکزی به‌نام جامعه اروپا یا جوامع متحد اروپا (EY) بنیان گذاشته شد. جامعه اروپا شامل شوراها و کمیسیون‌های مشترکی برای همکاری تمام کشورهای عضو بود.

در ابتداء ۶ کشور اروپائی شامل بلژیم، فرانسه، آلمان، ایتالیا، لوکزامبورگ و هلند این اتحاد را تشکیل دادند. اواخر دهه ۵۰ میلادی اعتراضات علیه شوروی منجر به‌معاهده رم و تشکیل «اتحادیه اقتصادی اروپا» شد که کشورهای دنمارک و ایرلند به‌عضویت آن درآمدند.

انگلستان سه بار تلاش کرد به‌این اتحادیه ملحق شود اما فرانسه مانع آن می‌شد در واقع «جنرال شارل دوگل» رئیس جمهور فرانسه با وتو کردن مانع عضویت انگلستان در این اتحادیه می‌شد تا سال ۱۹۷۳ که دوگل استعفاء کرد و با عضویت انگلستان در اتحادیه اقتصادی اروپا موافقت شد. سال ۱۹۷۵ و در دوره نخست‌وزیری «هارولد ویلسون» از اعضای حزب کارگر، همه‌پرسی باقی ماندن انگلستان در اتحادیه اقتصادی اروپا برگزار شد و ۶۷/۲ درصد از شرکت‌کنندگان رأی به ماندن دادند.

اوایل دهه ۸۰ میلادی کشورهای یونان، اسپانیا و پرتغال عضو این اتحادیه شدند. کشورهای اروپائی با فروپاشی شوروی، بیش‌تر به‌همدیگر نزدیک‌تر شدند.



در دسامبر ۱۹۹۱ با امضای پیمان ماستریخت، اتحادیه اروپا تشکیل شد و امروز ۲۸ (پس از خروج انگلستان ۲۷) عضو دارد که شامل المان، اتریش، اسپانیا، استونی، اسلوواکی، اسلونی، ایتالیا، ایرلند، بلجیم، بلغارستان، جمهوری پرتغال، جمهوری چک، دانمارک، رومانی، سویدن، فرانسه، فنلاند، قبرس، کرواسی، لاتویا، لوکزامبورگ، پولند، لیتوانی، مالت، هنگری، هلند و یونان است. همچنین در حال حاضر ۶ نامزد رسمی برای عضویت در اتحادیه درخواست کرده‌اند که کشورهای ترکیه، ایسلند، مونتنگرو، صربستان، مقدونیه و گرجستان می‌شود.

### معاهده لیسبون و جدائی اعضای اتحادیه اروپا

سال ۲۰۰۹، معاهده لیسبون از سوی همه اعضای اتحادیه به‌امضاء رسید که مؤسسات جدید و روش‌های کاری مؤثرتری را برای اعضای این اتحادیه معرفی می‌کند.

در این معاهده، ماده‌ای وجود دارد که به‌خروج یکی از اعضاء می‌پردازد. ماده ۵۰ این معاهده روند خروج یکی از اعضای اتحادیه را شرح می‌دهد که بر اساس آن اگر نتیجه همه‌پرسی جدائی یک عضو از اتحادیه اروپا رای به‌خروج باشد باید ۲۷ عضو دیگر مذاکراتی را برگزار کنند و در این زمینه به بحث بپردازند. پیش از این مذاکرات هم شورای اروپا بدون حضور عضوی که خواستار خروج است، دستورالعمل کار را ابلاغ می‌کند.

برای موافقت با خروج یک کشور، ۲۷ کشور عضو باید به اجماع برسند که تمامی کشورهای عضو غیر از کشوری که خواستار خروج است باید به این جدائی رای دهند همچنین توافق خروج نیز نیازمند رضایت پارلمان اروپا است. در صورت اجماع اعضاء و موافقت با خروج یک عضو، روابط این عضو با اتحادیه از همه جنبه‌ها تحت تأثیر خواهد بود اما در ماده ۵۰ مشخص نشده که توافق خروج تا چه میزان باید حدود روابط آتی اتحادیه اروپا و عضو خارج‌شده را تعیین نماید. هر بخشی از روابط جزئی باید در توافقی مجزا مشخص شده و هم‌راستا با توافق خروج که از فرایندهای دقیق تنظیم‌شده در معاهدات اتحادیه اروپا استفاده می‌کند، مورد مذاکره قرار گیرد.

### کمپین ماندن و کمپین خروج از اتحادیه اروپا

بعد از مذاکرات ماه فیبروری سال جاری میلادی میان نخست وزیر انگلستان و دیگر اعضای اتحادیه اروپا مقرر شد تاریخ برگزاری همه‌پرسی جدائی ۲۳ جون ۲۰۱۶ - ۳ تیر [سرطان] ۱۳۹۵ باشد و مردم انگلیس، اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی به‌پای صندوق‌های رای می‌روند.

نخست وزیر انگلستان و برخی اعضای کابینه‌اش بر ماندن این کشور در اتحادیه اروپا تأکید داشتند و این در حالی‌ست که برخی اعضای ارشد این حزب بر ترک اتحادیه اروپا مصر هستند. کامرون اخیراً گفته بود رأی به‌خروج از اتحادیه اروپا می‌تواند منجر به‌تضعیف اقتصاد انگلستان، پائین آوردن تأثیر جهانی این کشور و فراهم نمودن زمینه‌ای برای از هم پاشیدن اتحاد پادشاهی بریتانیا شود.

«جورج آزبورن» وزیر خزانه‌داری انگلستان، بارها تأکید کرده است خروج انگلستان از اتحادیه اروپا تبعات اقتصادی زیان‌باری بر این کشور وارد می‌کند.

«بوریس جانسون» از محبوب‌ترین چهره‌های حزب محافظه‌کار و شهردار پیشین لندن به‌همراه «مایکل گوو» وزیر دادگستری دولت در رأس کمپین خروج هستند.

«جرمی کوربین» رهبر حزب کارگر که حزب اپوزیسیون است، بر ماندن انگلستان در اتحادیه اروپا با اصلاح قواعد روابط تأکید داشته است.

از سوی دیگر، در مسأله جدائی انگلستان از اتحادیه اروپا، اتحاد پادشاهی بریتانیا با تقابل اسکاتلند که یکی از چهار کشور اصلی آن است، روبه‌روست. حزب ملی اسکاتلند بارها و بارها تهدید کرده است در صورت رأی بریتانیا به‌خروج از اتحادیه اروپا، همه‌پرسی دیگری برای جدائی اسکاتلند از اتحاد پادشاهی بریتانیا برگزار می‌شود. در نقطه مقابل، حزب یوکیپ قرار دارد که با هدف جدائی انگلستان از اتحادیه اروپا تشکیل شد و با تکیه بر مسأله مهاجران مردم را تشویق به رأی خروج می‌کند. اعضای این حزب تأکید دارند با خروج از اتحادیه اروپا کنترل مرزهای این کشور در مقابل مهاجران دیگر کشورهای اروپائی و همچنین پناهجویان به‌دست خود این کشور خواهد بود. کمپین خروج تأکید کرده بودند، توافقی که اخیراً بین دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلستان و سران اتحادیه اروپا به‌دست آمد، تغییرات بنیادینی در روابط لندن و بروکسل ایجاد نمی‌کند و به‌همین جهت تنها را برای بازیابی حق حاکمیت ملی، خروج از اتحادیه اروپا است.

### دیگر کشورها و همه‌پرسی جدائی

کشورهای دیگر عضو اتحادیه اروپا از احتمال خروج انگلستان خشنود نیستند چرا که این مسأله می‌تواند به‌تأمیل برخی از اعضا برای جدائی دامن بزند و در نهایت به تضعیف جایگاه این اتحادیه و فروپاشی آن منجر شود. ماه گذشته «بارک اوباما» رئیس‌جمهور امریکا که برای شرکت در مراسم نودمین سالگرد تولد ملکه انگلستان به‌این کشور سفر کرده بود درباره همه‌پرسی جدائی گفت که این اتفاق به‌ضرر روابط واشنگتن و لندن است. وی تهدید کرده بود خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، لندن را در انتهای صف روابط اقتصادی با واشنگتن قرار می‌دهد و این احتمال وجود دارد که ۱۰ سال زمان برای اجزای توافقات تجاری میان دو کشور، نیاز باشد. «نایجل فاراژ» رهبر حزب یوکیپ در پی این اظهارات اوباما آن را چرند محض خواند و گفت مهم نیست رئیس‌جمهور امریکا چه می‌گوید بلکه این نظر مردم انگلستان است که اهمیت دارد. کشورهای از جمله صربستان و ترکیه مایل به‌عضویت هستند.

### کشورهای عضو محدوده شنگن عبارتند از ۲۸ کشور:

آلمان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، هلند، بلجیم، لوکزامبورگ، سویدن، ناروی، فنلاند، دانمارک، لیتوانی، لتونی، پولند، مجارستان، اتریش، استونی، اسلواکی، اسلوانی، چک، ایسلند، مالت و یونان. همچنین لازم به ذکر است در سال ۲۰۰۹، چهار کشور قبرس، بلغارستان، رومانی و سوئیس به‌طور کامل مفاد این پیمان را قبول کرده‌اند و رسماً وارد شنگن شده‌اند. تاکنون پیش‌بینی می‌شد که انگلستان و ایرلند جنوبی تا سال ۲۰۱۱ وارد این پیمان خواهند شد.

در ادامه، يك سند مكملاً با عنوان کنوانسیون شنگن برای مشخص کردن و اجرای قوانین شنگن تهیه شد که پس از مدتی جایگزین سند اولیه شد و به‌ترتیب زمانی زیر توسط این کشورها به‌امضاء رسید:

۱۴ جون ۱۹۸۵ (نسخه اولیه): بلجیم، فرانسه، آلمان غربی، لوکزامبورگ، هلند.

۳ اکتوبر ۱۹۹۰: اتحاد دو آلمان و امضای مجدد این کشور به‌عنوان کشوری واحد.

۲۷ نومبر ۱۹۹۰: ایتالیا

۲۵ جون ۱۹۹۲: پرتغال، اسپانیا

۶ نومبر ۱۹۹۲: یونان

۲۸ اپریل ۱۹۹۵: اتریش

۱۹ دسمبر ۱۹۹۶: دنمارک، فنلاند، ایسلند، ناروی و سویدن

۱ می ۲۰۰۴: قبرس، چک، استونی، هنگری، لایوتا، لیتوانی، مالت، پولند، اسلواکی، اسلونی

۲۶ اکتوبر ۲۰۰۴: سوئیس

۱ جنوری ۲۰۰۷: بلغارستان، رومانی

کشورهای عضو اتحادیه اروپا (۲۷ کشور) را نباید با کشورهای محدود شنگن (۲۸ کشور) اشتباه نمود! کشورهای عضو اتحادیه اروپا شامل ۲۷ کشور یعنی ۲۴ کشور از محدوده شنگن (به جز ناروی و ایسلند) به علاوه ۳ کشور رومانی، انگلستان و ایرلند می‌باشند، به همین دلیل ویزای ساکنین و اتباع این سه کشور جهت ورود به منطقه شنگن بی‌اعتبار است و این افراد باید هنگام ورود و خروج از کشورهای محدود شنگن مورد کنترل مرزی قرار بگیرند. جالب است بدانید که واحد پولی یورو در حال حاضر تنها در ۱۵ کشور اروپائی استفاده می‌شود که شامل بلجیم، قبرس، فنلاند، فرانسه، آلمان، هلند، مالت، لوکزامبورگ، ایتالیا، اسپانیا، اتریش، یونان، اسلوانی، ایرلند و پرتغال می‌شود. کشورهای نظیر لیختن اشتاین، کرواسی، صربستان، مقدونیه، اوکراین، مولداوی و آندورانه عضو اتحادیه اروپا هستند و نه عضو محدود شنگن پس برای ورود به این کشورها نیاز به ویزای جداگانه دارید و ساکنین و متعاقباً اتباع این کشورها نیز برای ورود به سایر کشورهای اروپائی نیاز به ویزای شنگن دارند.

وقایع اخیر در شرق اروپا و بالا گرفتن بحران رابطه مسکو - بروکسل بر سر تأمین انرژی اروپا نیز یکی دیگر از مشکلات جدی و فراگیری است که سران اتحادیه اروپا باید برای آن تصمیم‌گیری کنند. مجموع همه این عوامل سبب شده‌اند تا نوعی عدم قطعیت در تصمیم‌گیری واحد در اتحادیه اروپا به چشم بخورد که چشم‌انداز مناسبی را در تقویت همگرایی این اتحادیه به دست نمی‌دهد.

### هشدار دبیرکل‌های سابق ناتو

اخیراً پنج تن از دبیرکل‌های سابق سازمان پیمان اتلانتیک شمالی با انتشار نامه‌ای نسبت به جدائی انگلیس از اتحادیه اروپا هشدار دادند و عنوان داشتند خروج انگلیس از اتحادیه اروپا سبب بی‌ثباتی و یاری به دشمنان غرب خواهد شد. در پی انتشار نامه پنج تن از دبیرکل‌های سابق پیمان اتلانتیک شمالی در روزنامه دیلی تلگراف نسبت به خروج انگلیس از اتحادیه اروپا هشدار داده شد.

لرد کارینگتون، یاپ دی هوپ شفر، لرد رابرتسون، خاویر سولانا و آندرس فوگ راسموسن که بین سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۱۴ میلادی دبیرکل ناتو بوده‌اند در این نامه هشدار داده‌اند که رأی مردم انگلیس در همه‌پرسی ۲۳ جون می‌تواند بسیار نگران‌کننده باشد چرا که این جدائی سبب یاری به دشمنان غرب خواهد شد.

این هشدار در حالی داده می‌شود که دو افسر ارشد و پیشین سرویس جاسوسی انگلیس نیز خروج این کشور از اتحادیه اروپا را عامل بروز بی‌ثباتی در سراسر قاره اروپا و افزایش آسیب‌پذیری این کشور در برابر حمله جنگ‌طلبان می‌دانند.

هزینه‌های دفاعی ناتو، با توجه به نگرانی از رویکرد روسیه روبه افزایش است. همچنین بحران پناهجویان باعث نگرانی درباره امنیت در قاره اروپا شده است. به گزارش فایننشال تایمز، برای اولین بار در دهه اخیر است که هزینه‌های دفاعی کشورهای عضو پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) افزایش داشته است. شورای پارلمانی ناتو با اعلام این پیش‌بینی خواستار آمادگی اعضاء برای پاسخ‌گویی به تهدید احتمالی مسکو باشند.

دبیر کل ناتو نیز ستولتنبگ هشدار داد که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بر رویکرد ناتو نیز تأثیر گذار خواهد بود. پیش‌بینی سال ۲۰۱۶، نشان‌گر افزایش هزینه‌های دفاعی متحدان اروپایی است. ستولتنبگ می‌گوید: «ما با بی‌ثباتی روبه‌رو هستیم و با تهدیدهای بیش‌تری روبه‌رویم، دشواری‌های زیادی که فراتر از یک نسل است و ما نیازمند اتحاد هستیم».

سال گذشته متحدان اروپایی ناتو ۲۵۳ میلیارد دلار را صرف هزینه‌های دفاعی کردند برطبق توافق‌ها کشورهای اروپایی باید سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه اضافی برای ارتش‌هایشان بپردازند. هزینه کنونی نزدیک به ۱/۴۳ درصد تولید ناخالص داخلی است.

سازمان پیمان اتلانتیک شمالی به‌منزله پیمانی فرامنطقه‌ای در ابعاد نظامی، سیاسی و امنیتی در سال ۱۹۴۹، با هدف مقابله با خطرهای بالقوه «اتحاد جماهیر شوروی، گسترش کمونیسم و تعدیل قدرت نظامی - امنیتی بلوک شرق» تشکیل شد. در واقع، ناتو محصول دوران پس از جنگ دوم جهانی و آغاز جنگ سرد بود. بعد از پایان جنگ سرد ناتو با بحران هویت روبه‌رو شد. موضوعاتی همچون تروریسم، جنگ‌های داخلی در شرق اروپا، بحران‌های قومیتی و... باعث حضور ناتو در شرق اروپا و تداوم گسترش آن در این منطقه شد. این تحولات، اتحادیه اروپا را قانع کرد تا همکاری با ناتو ادامه یابد. این فرصتی را در اختیار امریکا قرار داد تا باز تعریفی از نقش ناتو در این منطقه ارائه دهد. تعریفی که عمدتاً در راستای سیاست متعهدکردن اتحادیه اروپا در تبعیت از راهبردهای کلی امریکا در منطقه و جهان ترسیم شد. اما این تعریف برای اروپائیان پذیرفته شده نبود.

در طی سال ۱۹۴۸، ظاهراً به‌دلیل اشغال چکسلواکی و تهدید شدن ناروی توسط شوروی، انگلستان و کانادا به امریکا فشار آوردند تا در نهایت در ۴ اپریل ۱۹۴۹ پیمان اتلانتیک شمالی تشکیل شد. از ۲۸ کشور عضو ناتو، دو کشور امریکای شمالی (امریکا و کانادا) و ۲۵ کشور در اروپا واقع شده‌اند.

وظایف مهم امنیتی که در سال ۱۹۹۹ اعضای ناتو به‌توافق رسیدند، عبارتند از:

امنیت: فراهم کردن یکی از بنیان‌های ضروری برای یک محیط امنیتی یورو اتلانتیک با ثبات و مبتنی بر گسترش نهادهای دموکراتیک و تعهد به‌حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات.

شورا: مشورت‌های متحدین در هر موضوعی که بر منافع حیاتی آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

باز دارندگی و دفاع: جلوگیری و دفاع در برابر هر تهدید تجاوز به‌هر یکی از اعضای ناتو.

مدیریت بحران: آماده بودن و اجماع در هر مورد طبق ماده ۷ پیمان واشنگتن برای کمک به‌پیشگیری مؤثر از منازعه.

مشارکت: ارتقای مشارکت گسترده، همکاری و مذاکره با کشورهای دیگر منطقه یورو - اتلانتیک

### جلسه اضطراری اعضای مؤسس اتحادیه اروپا

در پی جلسه اضطراری اعضای مؤسس اتحادیه اروپا به‌دنبال رأی مردم بریتانیا به‌خروج از این اتحادیه، وزرای خارجه شش کشور از نخست‌وزیر بریتانیا خواستند تا مقام خود را به‌رهبری جدید واگذار تا روند خروج از اتحادیه «هر چه زودتر» آغاز شود.

به‌گزارش خبرگزاری فرانسه، فرانکوالترا اشتاینمایر، وزیر خارجه آلمان، که در برلین میزبان مقامات اتحادیه اروپاست در کنفرانس خبری پس از جلسه اضطراری تأکید کرد که بریتانیا نباید برای آغاز روند پیچیده خروج از اتحادیه تعلل کند.

او گفت: «ما در کنار هم بر این عقیده‌ایم که این فرایند باید هر چه زودتر آغاز شود تا از برزخی طولانی‌مدت سر درنیاوریم و بتوانیم بر آینده اروپا متمرکز شویم».

به گزارش خبرگزاری فرانسه، وزیران خارجه آلمان، فرانسه، هلند، ایتالیا، بلژیم و لوکزامبورگ روز شنبه ۲۵ جون ۲۰۱۶ در برلین، برای جلسه‌ای شش‌جانبه تحت عنوان «موضوعات سیاسی کنونی اروپا» گرد هم آمدند.

جلسه روز شنبه اولین جلسه از سلسله جلسات اضطراری این شش کشور است که در هفته پیش رو، برگزار خواهد شد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که طرفداران خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا از جمله کسانی هستند که حس می‌کنند از پروسه جهانی‌سازی عقب مانده‌اند و قوانین مهاجرتی اتحادیه اروپا را باعث و بانی پائین ماندن دستمزدها در این کشور می‌دانند.

روز شنبه وزیر خارجه فرانسه نیز در کنار همتایان خود سخن گفت و صراحتاً از دیوید کامرون، نخست‌وزیر بریتانیا، خواست تا راه را برای رهبری جدید در کشورش باز کند تا فرایند انتقال از اتحادیه هر چه سریع‌تر انجام شود.

تنها ساعاتی پس از اعلام پیروزی طرفداران خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، دیوید کامرون، نخست‌وزیر این کشور، استعفاي خود را از این سمت اعلام کرد. کامرون تا پائیز آینده در این مسند می‌ماند.

کامرون صبح روز جمعه ۲۴ جون اعلام کرد که فقط تا ماه اکتوبر آینده بر مسند نخست‌وزیری خواهد ماند و پس از آن باید نخست‌وزیری دیگر روند خروج از اتحادیه اروپا را زیر نظر داشته باشد.

با این حال، نمایندگان اتحادیه اروپا روز شنبه در برلین به‌روشنی اعلام کردند که حتی سه ماه نیز حاضر به‌صبر کردن نیستند و می‌خواهند که روند خروج بریتانیا هر چه سریع‌تر آغاز شود.

وزیر خارجه آلمان در این باره گفت: «لندن فقط در برابر بریتانیا مسؤول نیست. اکنون باید بگذارند که ما بر آینده اروپا متمرکز شویم و این به‌آن معناست که بعد از تصمیمی که بریتانیا گرفت، اکنون باید مذاکره درباره خروج بریتانیا آغاز شود».

در همین حال، به‌گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، ده‌ها هزار نفر از شهروندان بریتانیا هم‌اینک در حال امضای عریضه‌هایی با درخواست برگزاری همه‌پرسی مجدد در خصوص خروج یا ماندن بریتانیا در اتحادیه اروپا هستند.

شمار زیاد این درخواست‌ها، که هم‌اکنون از رقم سه میلیون نفر نیز گذشته، باعث شد تا وب‌سایت مجلس عوام انگلیس که میزبان نسخه آن‌لاین عریضه است مدتی از دسترس خارج شود.

در حال حاضر قراری مبنی بر احتمال برگزاری همه‌پرسی مجدد در بریتانیا نیست، اما به‌گفته کارشناسان برای چنین سناریویی مانع قانونی وجود ندارد.

### نتیجه‌گیری

انگلیس در سال ۱۹۹۳ میلادی به‌اتحادیه اروپا پیوست و به‌نهمین عضو این اتحادیه تبدیل شد. اتحادیه اروپا به‌اضافه انگلیس، ۲۸ کشور عضو دارد و در مجموع با ۵۰۰ میلیون جمعیت بزرگترین بلوک اقتصادی جهان است.

به‌نظر می‌رسد سران اتحادیه اروپا از نتایج همه‌پرسی انگلستان بسیار عصبانی هستند. چرا که اکنون آلمان و ۵ کشور پایه‌گذار اتحادیه اروپا بر بریتانیا فشار می‌آورند تا مذاکرات برای خروج از این اتحادیه را هرچه زودتر شروع کند.

پس از دیدار وزرای خارجه ۶ کشور اصلی پایه‌گذار اتحادیه اروپا، فرانکو-التر اشتاین‌مایر، وزیر امور خارجه آلمان، روز شنبه ۲۵ جون، در برلین گفت: «روند خروج بریتانیا باید با سرعت هرچه بیشتری انجام گیرد تا تکلیف همه هرچه زودتر روشن شود».

با وجود آن که عضویت انگلیس در اتحادیه اروپا مزایایی نظیر دسترسی نامحدود به بازار ۱۵ و نیم تریلیون دلاری این اتحادیه را دارد اما شرایطی را نیز ایجاد می‌کند که بسیاری از انگلیس‌ها آن‌ها را دشوار می‌دانند. آری، تصمیم مردم بریتانیا به خروج از اتحادیه اروپا، یک کابوس بزرگ نه تنها برای سران این اتحادیه، بلکه برای همه بلوک‌های سرمایه‌داری است.

اکثر اسکاتلندی‌ها به‌بقاء در اتحادیه اروپا رأی داده‌اند و همین می‌تواند جدائی آن‌ها را از بریتانیا در پی داشته باشد. موضع ایرلند نیز قوی‌تر از پیش خواهد شد، چرا که مرز خارجی اتحادیه اروپا اکنون از میان خاک ایرلند می‌گذرد.

بحران اقتصادی و بیکاری در اتحادیه اروپا حل نشده بدهی‌های دولتی نیز بیش‌تر زیان‌بخش بود تا سودمند. تاکنون کشورهای ثروتمند همچون المان احساس می‌کردند که صاحب بازار بزرگی شده‌اند و کشورهای فقیر نیز احساس می‌کردند که تکیه‌گاه با ثباتی پیدا کرده‌اند. اما امروز همه این رویاها بر باد رفته و بحران‌ها نفس‌گیر شده است.

در حالی که شهروندان آگاه جهان به‌ویژه مزدگیران و استثمارشدگان، برای تحقق آرامش و امنیت دست و پنجه نرم کرده و هر راهی را آزمون و خطا می‌کنند، اما شواهد نشان‌دهنده آن است که در برخی موارد آرامش به‌روئایی دست نیافتنی تبدیل شده است. اروپا نیز در این میان مستثنی نیست. اروپائی‌ها هنوز بر بحران‌ها و مشکلات اخیر اقتصادی گسترده شده در سطح قاره فائق نیامده‌اند که با بحران دیگری روبه‌رو شدند.

بحران پناهجویان و مهاجرت به‌عنوان سؤالی بزرگ در مقابل اروپا قرار دارد. اختلاف‌نظر در این مورد میان دولت‌مردان تا جایی پیش رفته که بعضاً در مواردی منجر به‌دگرگیری لفظی میان آن‌ها شده است.

با این وجود، بحران تازه به‌نظر عمیق‌تر، شدیدتر، پیچیده‌تر و ملموس‌تر از همه بحران‌های پیشین است. این‌بار بحث بر سر ارز یا کمک مالی یا یارانه کشاورزی نیست، بلکه به‌مسائل اساسی نظیر انسانیت و یک‌پارچگی بازمی‌گردد، که اتحادیه اروپا مدعی هر دوی آن‌هاست.

بحران پناهجویان با دیگر دشواری‌های موجود هم‌زمان شده و این خطر وجود دارد که آن‌ها را پیچیده‌تر سازد، دشواری‌هایی از قبیل: گسترش طرفداران خروج از اتحادیه اروپا، بدهی یونان و حفظ ناحیه یورو؛ اصلاحات اتحادیه اروپا، رشد بیکاری، گسترش اعتراضات کارگری همچون فرانسه، مسأله بازنشستگان، رشد ناسیونالیسم، فاشیسم، مذهب و تروریسم؛ جنگ‌های لیبیا، سوریه، عراق، افغانستان، نیجریه، سومالی، سودان، یمن و...

به‌این ترتیب، واقعیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تاکنون اتحادیه اروپا، نشان داده‌اند که بریتانیا بدون اتحادیه اروپا و اتحادیه اروپا بدون بریتانیا نمی‌توانند در شرایط جهانی تأثیراتی مؤثر بگذارند. اما آنچه که مسلم است پس از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، اعتبار این اتحادیه کاهش خواهد یافت و به‌دشواری‌های پیش‌رویش افزوده خواهد شد. با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، المان مهم‌ترین شریک خود را از دست داد. بی‌تردید اتحادیه اروپا در هفته‌ها و ماه‌های اولیه دچار تکان‌های اساسی خواهد شد.

نهایتاً نه انگلستان و نه اتحادیه اروپا، بهشت برین نیستند و البته اگر هم باشند برای سرمایه‌داران هستند نه برای مزدگیران. طبقه کارگر اروپا نه در تأسیس اتحادیه اروپا نقش داشته و نه در فروپاشی آن نقش دارد. این هم ضعف بزرگ طبقه کارگر اروپاست. در واقع مهم‌ترین ضعف طبقه کارگر اروپا این است که هنوز دنباله‌رو سندیکالیسم، رفرمیسم و احزاب چپ و سوسیال‌دموکرات است. در حالی که هیچ‌کدام از این گرایش‌های سیاسی، به‌معنای واقعی منافع طبقه کارگر را نمایندگی نمی‌کنند و سؤال اساسی این است که چرا باید یکی از طبقات اصلی جامعه، یعنی طبقه کارگر، چشم به‌دست احزاب و رفرمیست‌ها بدوزد. طبقه کارگر اروپا که سابقه درخشانی در مبارزه طبقاتی، اجتماعی، سیاسی و انقلابات دارد اکنون چرا این‌چنین منزوی شده و قدرت عظیم طبقاتی خود را به‌دست مشت‌ی مصلحت‌طلب و

منفعت‌طلب به‌صندلی چسبیده سندیکالیست و رفرمیست داده است؟ مگر بورژوازی چنین عمل کرده و می‌کند؟ مگر همه دولت‌های بورژوازی با همه نهاد و ارگان‌هایش و پولیس و ارتش‌شان موظف به‌حفظ سرمایه نیستند؟ پس چرا طبقه کارگر که اکثریت شهروندان جوامع بشری را تشکیل می‌دهد؛ تمام نعمات و نیازهای جامعه بشری را تولید می‌کند چرا بدیل طبقاتی و اهداف و تاکتیک‌ها و ستراتیژی طبقاتی خود، یعنی ستراتیژی سوسیالیسم علمی را در مقابل جوامع بشری قرار نمی‌دهد و همچنان چشم به‌دهان طبقات دیگر دوخته است؟

وضعیت امروز اتحادیه اروپا و بریتانیای «کبیر»، بحران سرمایه‌داری را به‌نمایش می‌گذارد و ربطی به‌منافع واقعی مردم ندارند. پیش‌تر اتحادیه اروپا تمام قدرت خود را به‌کار انداخت تا سرمایه‌داری یونان را نجات دهد اما اوضاع وخیم‌تر شده است. بحران اقتصادی یونان، دیر یا زود سرایت خواهد کرد و کشورهای دیگر اتحادیه اروپا را در بر خواهد گرفت. بنابراین فروپاشی اتحادیه اروپا، را می‌توان پیش‌بینی کرد. بی‌تردید طبقه کارگر و کمونیست‌های کشورهای اروپائی، نباید به‌سیاهی لشکر موافقان و مخالفان اتحادیه اروپا تبدیل شوند. در چنین موقعیتی طبقه کارگر اروپا، بار دیگر یک فرصت تاریخی نصیبش شده که به‌عنوان رهبری‌کننده و متحدکننده اکثریت جامعه و دیگر جنبش‌های اجتماعی ظاهر شود و با اعتصاب و اعتراض و تأسیس شوراهای طبقاتی اجتماعی خود به‌سوی قدرت خیز بردارد! در عین حال، طبقه کارگر این کشورها، تشکیل انترناسیونال پرولتری هم‌چون انترناسیونال اول به‌رهبری مارکس و انگلس را در اولویت فعالیت‌های روز خود قرار دهند. چرا که تنها طبقه کارگر با روابط و مناسبات شورائی خود و دموکراسی مستقیم می‌تواند به‌تمام بحران‌های اقتصادی، سیاسی و همه معضلات و آسیب‌های اجتماعی پایان دهد و به‌معنای واقعی، جهانی سرشار از عشق و دوستی، خلاقیت و بالندگی و رفاه بسازد!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

دوشنبه هفتم تیر [سرطان] ۱۳۹۵ - بیست و هفتم جون ۲۰۱۶